

ساخت و اعتبار یابی مقیاس اخلاق حرفه‌ای

مشاوران و روان‌شناسان

اردشیر کیانی^۱، شکوه نوابی نژاد^۲، خدابخش احمدی^۳، جعفر انیسی^۴

دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۵ پذیرش: ۹۲/۹/۱۰

چکیده

با وجود اینکه اصول اخلاقی زیربنای تمام اعمال حرفه‌ای یک مشاور و روان‌شناس محسوب می‌شود ولی ابزاری برای سنجش آن تعریف نشده است. بهای ن اساس هدف اصلی این پژوهش است تا مقیاسی را برای ارزیابی اخلاقی حرفه‌ای معرفی کند. روش تحقیق همبستگی از نوع ماتریس وارینس- کوواریانس بود و جامعه آماری پژوهش مشاوران و روان‌شناسان شهر تهران با حجم نمونه ۱۷۸ نفر از مشاوران زن و مرد مجرد و متأهل بودند که دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس و بالاتر و دارای پروانه اشتغال و شاغل در حرفه مشاوره و روان‌درمانی بودند. ابزار مورد استفاده فرایند روایی سازه و محتوا را گذرانیده و مورد تأیید قرار گرفت. تحلیل عاملی ۵ عامل را در پرسش‌نامه مشخص نمود که در این میان عامل اول آزادی و رضایت آگاهانه ۲۹/۹۰ درصد وارینس کل، رعایت فرهنگ و قانون و حدود رابطه ۶/۷۵ درصد از وارینس کل، شفافیت رابطه ۴/۶۴ درصد از وارینس کل، مشاوره و مسئولیت در شرایط بحران ۴/۱۳ درصد و رعایت اخلاق در به‌کارگیری فنون ۳/۸۹ درصد از وارینس کل را تبیین نموده است. همچنین ضریب اعتبار باز آزمایشی کل مقیاس ۰/۸۱ و همسانی درونی ۰/۹۲ است. با توجه به ضرورت سنجش وضعیت اخلاقی و ارزیابی اخلاقی روان‌شناسان و مشاوران و نبود

۱- کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه آزاد رودهن- نویسنده مسئول- a_kiany_m@yahoo.com

۲- استاد دانشگاه تربیت معلم

۳- دانشیار مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)

۴- کارشناس ارشد مشاوره، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)

ابزار معتبر در این زمینه و با توجه به اینکه ابزار موجود از نظر روان‌سنجی معتبر ارزیابی شد، لذا این ابزار را برای استفاده در سنجش روان‌شناسان و مشاوران در موارد مختلف از جمله در هنگام صدور پروانه اشتغال و گزینش متخصصان و روان‌درمانگران در مقاطع تکمیلی و همچنین سنجش اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان در کارگاه‌های دانش‌افزایی توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هنجاریابی، اخلاق حرفه‌ای، مشاوره، روان‌شناسی

مقدمه:

روان‌شناسان و مشاوران در ارتباط مؤثر با مراجعین خود عمدتاً با باورها، ارزش‌ها و آرمان‌ها و گاه راز و رمزهای آنان سروکار دارند؛ و در غالب مواقع مراجعین سعی می‌نمایند با اعتمادی که به تعهد و تخصص مشاور دارند و با امید به دریافت کمک‌های مؤثر از ایشان، صادقانه و صمیمانه همه راز و رمزهای زندگی خویش را بازگو می‌کنند. بدیهی است همه شرافت شغلی، اصالت انسانی، تقید اخلاقی و تعهد حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران درگرو عملکرد آنان در قبال مراجع و رعایت صداقت، دوستی، خویشن‌داری و رازداری و در یک‌کلام تعهدات قانونی و اخلاق حرفه‌ای است. در مشاوره و روان‌درمانی ضوابط اخلاقی دامنه وسیعی دارد. معمول این ضوابط حداقل استانداردهای رفتار و درمانگر را مشخص می‌کند و از رفتارهای ممنوع جلوگیری می‌کند بین پیروی صرف از ضوابط اخلاقی و داشتن تعهد عملی نسبت به ضوابط اخلاقی سطح بالا نیز تفاوت زیادی وجود دارد. تعهدات اخلاقی مستلزم عملکرد اخلاقی است؛ و ارتقاء معیارهای اخلاقی مستلزم دستیابی به استانداردهای مطلوب رفتاری است. درمانگرانی که به ضوابط اخلاقی سطح بالا متعهد هستند درصدد انجام هر نوع خدمت حرفه‌ای به مراجعان‌شان هستند که برای آن‌ها مفید است (هرلیهی^۱ و کوری ۱۹۹۴)

۱. Herlihy

اخلاق حرفه‌ای عبارت است از مجموعه قوانین اخلاق حرفه‌ای که در وهله اول از ماهیت حرفه یا شغل به دست آمده است. (کیچنر ۱۹۸۴). اولین و مهم‌ترین وظیفه اخلاق حرفه‌ای، رشد و توسعه قوانینی مبتنی بر اخلاق در شغل مورد نظر است. (حسینیان، ۱۳۸۵). یک مشاور باید پای بند به اصول اخلاقی باشد تا بتواند با اتخاذ تصمیمات اخلاقی، برای مراجعانش سودمند باشد. متخصص اخلاقی بودن نه تنها یک درک از قوانین اخلاقی را در زمینه حرفه‌ای نیازمند است بلکه تفسیر آگاهانه آن‌ها را برای موقعیت‌های حرفه‌ای که با آن مواجه‌اند را ملزم می‌کند. بررسی و درک ضوابط اخلاقی حرفه، موقعیت و فرصت خوبی برای شروع است اما آن مقصد و هدف نیست. با درک ملاک‌های اخلاقی، متخصص قدم در راهی می‌گذارد که هرچه پیش می‌رود با سؤالات، ابهامات و مسائل اخلاقی تازه‌ای مواجه می‌شود که بررسی و پاسخ دادن به آن‌ها او را به استانداردهای فراتر سوق می‌دهد. جامعه شناسان نیز اخلاق را به منزله خونی تلقی کرده‌اند که پیوسته و به صورت پنهان در پیکر جامعه و نهادهای اجتماعی در جریان است. از این دیدگاه، هیچ نهادی یا حرفه‌ای نیست که قادر باشد فارغ از اخلاق که مرزهای سلوک و رفتار بهنجار را معین کند و به حیات مشروع خود ادامه دهد. اخلاق هر جامعه معیار بایدها و نبایدهای آن را تعیین می‌کند و انسان اجتماعی را در مسیر زندگی غایت‌مند خود به سمت کمال، فضیلت و سعادت هدایت می‌کند. اخلاق هم خاستگاه دینی دارد و هم متأثر از عرف، فرهنگ، تاریخ و سایر پدیده‌های اجتماعی است. در واقع، بین این مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی و اخلاق تعامل دائمی وجود دارد که باعث می‌شود در طول زمان، اصول، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه صیقل بخورد و الگوهای موجه و مقبول رفتار فردی و جمعی را تشکیل بدهد. (کیانی، ۱۳۸۷)

در اوایل دهه ۱۹۸۰، لوزیتو^۱ (۱۹۸۰) و ون هوس^۲ (۱۹۸۰) اصول اخلاقی را پایه حیاتی تمام اعمال یک مشاور و روانشناس می‌دانستند. اکنون پس از گذشت چند دهه، اصول

۱. Losito

۲. ven Hoose

اخلاقی کماکان از دغدغه‌های بسیار مهم مشاوره و روان‌درمانی است. بسیاری از محققان (برادلی^۱ و همکاران، ۲۰۰۱، چا^۲ و همکاران ۲۰۰۴، کوری و همکاران، ۲۰۰۳، کوتن^۳ و تارویدای ۱۹۹۸، هرلی‌های^۴ و کوری ۱۹۹۶، کیچنر^۵ ۱۹۸۴، رملی^۶ و هرلی‌های، ۲۰۰۵، اورافسکی^۷ و سوا^۸ ۲۰۰۴، ولفل، ۲۰۰۲) بیان کرده‌اند که در علم مشاوره، مشاوران و روان‌درمانگران روزانه و گاهی چندین بار در روز با مسائلی مواجه می‌شوند که مرتبط با این اصول اخلاقی و حرفه‌ای است. (احمدی و همکاران. ۲۰۰۸)

اصول اخلاق حرفه‌ای از دغدغه‌های بسیار مهم مشاوره و روان‌درمانی به شمار می‌رود و علی‌رغم موضوعات مربوط به اخلاق حرفه‌ای در خارج از کشور گسترش قابل توجهی یافته است (حسینیان ۱۳۸۵). به نظر می‌رسد هنوز مباحث اخلاق حرفه‌ای در کشورمان جایگاه خود را در برنامه‌های آموزشی و دوره‌های دانش‌افزایی پیدا نکرده و عمده مباحث اساتید حول محور نظریه و فنون حرفه‌ای است.

بر اساس تعریف رملی و هرلی‌های (۲۰۰۵) لغت اخلاق^۸، بیان‌کننده باورهای یک گروه گروه حرفه‌ای در مورد این است که چه چیزی درست و مرتبط با استانداردهای همان حرفه است. هر یک از حرفه‌های مرتبط با انسان حوزه‌ها و ابعاد مختلفی دارند که برخی مشترک و برخی دیگر اختصاصی آن حرفه است. علی‌رغم این تفاوت به نظر می‌رسد اصول اساسی در تمامی حرفه‌های یاورانه از قبیل روان‌درمانی، مشاوره، روان‌پزشکی، مددکاری و مشاوره روحانی یکسان است.

مهم‌ترین وظیفه متخصصان بهداشت روانی بالا بردن سطح سلامت مراجعین است. نظام‌نامه‌های اخلاقی جهت انسجام این روند و حمایت از متخصصان به وجود آمده‌اند. این

۱. Bradley
۲. Chae
۳. Cottone
۴. Herlihy
۵. Kitchener
۶. Remley
۷. Urofsky
۸. Ethics

قوانین به‌عنوان راهنما و راهگشای چالش‌های اخلاقی و حرفه‌ای هستند که ممکن است مشاوران و درمانگران در صورت برخورد با دوره‌های اخلاقی، برای دریافت راهنمایی به این نظام‌نامه‌ها مراجعه کنند. (مالی^۱ و ریلی، ۱۹۹۹). اگر نظام‌نامه اخلاقی برای حل مسئله‌ای به‌اندازه کافی جامع و یا مانع نباشد، باید برای حل آن به سراغ اصول اخلاقی رفت این اصول برای تصمیم‌گیری درباره موضوعات اخلاقی که همراه با یک دوره‌ای اخلاقی خاص هستند، به کار می‌رود. دوره‌ای اخلاقی عبارت است از موقعیتی که در آن باید از بین احکام اخلاقی متضاد و متناقض یکی را انتخاب کرد. نظام‌نامه‌های اخلاقی همیشه راه‌حل چنین دوره‌ای‌هایی را ارائه نمی‌دهند و یا نمی‌توانند ارائه دهند. اصول اخلاقی چارچوبی را برای حل دوره‌ای‌ها و جهت‌دهی به تفکر اخلاقی آینده ارائه می‌دهند؛ بنابراین مشاوران برای مواجهه با دوره‌ای‌های اخلاقی و اتخاذ تصمیمات سازنده باید اصول و استانداردهای اخلاقی را بدانند. (کیچنر، ۱۹۸۴)

اصول پنج‌گانه اخلاق حرفه‌ای در مشاوره و روان‌درمانی عبارتند از: **اصل خودمختاری یا احترام به استقلال مراجع:** این اصل به معنای احترام به حق انتخاب مراجع است یعنی مراجعین حق دارند در مسیر زندگی خود آزادی تفکر و اندیشه و انتخاب داشته باشند. بهای ن اساس مشاوران و روان‌درمانگران نباید از طریق تصمیم‌گیری برای مراجع وارد زندگی آنان شوند. (کوری، ۱۹۹۳). **اصل عدم آسیب‌رسانی:** این اصل ریشه در اصول اخلاق پزشکی دارد و اغلب با سوگندنامه بقراط تداعی می‌شود. اصل عدم آسیب‌رسانی بنیادی‌ترین اصل اخلاقی برای متخصصان خدمات بشری و پزشکی نامیده می‌شود. همچنین طبق این اصل انجام ندادن کاربر انجام کاری که منجر به آسیب می‌شود، ارجح است. (حسینیان، ۱۳۸۵). **اصل نیکوکاری یا سودمندی:** سودمندی یعنی قبول مسئولیت برای انجام کار خوب و چون مشاوران خود را در قبال مراجعین، متخصص معرفی می‌کنند، وظیفه‌دارند به کسانی که در طلب خدمت آن‌ها می‌باشند کمک واقعی برسانند. همچنین

۱. Malley

سودمند بودن به معنای به‌کارگیری فنون و فن‌هایی است که خوب شدن مراجع را افزایش دهد. (حسینیان، ۱۳۸۵). **اصل عدالت یا منصفانه عمل کردن:** این اصل در جمله ارسطو بهتر بیان شده است «عدالت یعنی با برابری و مساوات رفتار کردن و با نابرابری به نسبت نابرابریش به مساوات رفتار کردن است. (کیچنر، ۱۹۸۴). **اصل صادقانه عمل کردن یا وفاداری:** صادق بودن، راستی و درستی رابطه مشاورهای و تمایلات مشاور در ایجاد شرایط درمانی مربوط می‌شود. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷) اینک مشاوران باید علایق مراجع را بر علایق خود ارجح قرار دهد و نسبت به مراجع وظیفه‌شناس باشد از مصادیق وفاداری است. (حسینیان، ۱۳۸۵)

رعایت اصول و ملاک‌های اخلاقی به جامعه تضمین می‌دهد که خدمات مشاورهای در چارچوب ارزش‌های اجتماعی و انتظارات اخلاقی جامعه صورت می‌پذیرد، همچنین مشاوران و روان‌شناسان را ملزم می‌کند تا به تمامیت شخصیت مراجعین احترام بگذارند (نوابی نژاد، ۱۳۸۱). هرچند معیارها و ضوابط اخلاقی در طول زمان تغییر می‌کنند، ولی اصول اخلاقی خاصی بر تمامی ضوابط اخلاق حرفه‌ای مشاوره و روان‌درمانی سایه افکنده است. بنابراین ضروری است به این اصول زیربنایی توجه خاص صورت پذیرد. (احمدی، ۱۳۸۷)

بررسی‌ها نشان داده است که پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های موجود کشور در حوزه اخلاق حرفه‌ای بسیار ناچیز است و این موضوع می‌تواند زنگ خطری برای جامعه ارزشی ما است از این رو ضرورت انجام این‌گونه پژوهش‌ها به‌منظور پیشگیری از وقوع تخلفات اخلاقی حرفه‌ای و رشد و اعتلای خدمات مشاورهای برای پژوهشگر قطعی و روشن است. لذا باهدف کمک به رشد مباحث اخلاق حرفه‌ای در مشاوران و روان‌شناسان کشور و افزایش حساسیت نسبت به مباحث اخلاقی و شخصیتی مشاوران و درمانگران در گزینش، آموزش و صدور پروانه کار و پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها یا می‌تواند با ساخت ابزاری میزان رعایت اخلاق حرفه‌ای را در مشاوران و روان‌شناسان اندازه‌گیری نمود، محقق به انجام این پژوهش مبادرت

ورزید. لازم به ذکر است که تاکنون ابزاری که بتواند اخلاق حرفه‌ای را در مشاوران و روان‌شناسان اندازه‌گیری نماید ساخته و در نشریات معتبر علمی و پژوهشی عرضه نشده است.

روش پژوهش:

جامعه آماری پژوهش کلیه روان‌شناسان و مشاوران بودند که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره و گرایش‌های مربوطه بوده و در یکی از مراکز دولتی و خصوصی دارای مجوز از مراجع ذیصلاح به صورت تمام‌وقت و یا پاره‌وقت اشتغال داشتند. تعداد نمونه موردنظر پژوهشگر ۱۷۸ نفر بودند و از آنجائی که روان‌شناسان و مشاوران به‌عنوان جامعه موردتحقیق در مناطق مختلف تهران مشغول به کار بودند و این گستردگی و پراکندگی دسترسی به فهرست اسامی نمونه موردنظر امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین از روش نمونه‌گیری خوش‌های چندمرحله‌ای برای انتخاب نمونه موردنظر استفاده گردید. برای انتخاب نمونه ابتدا به‌طور تصادفی از مراکز دولتی ۵ مرکز و مراکز و دفاتر خصوصی ۲۵ مرکز مشاوره انتخاب شد و جمعاً ۵۲ نفر از مراکز دولتی و ۱۴۸ نفر از مشاوران و روان‌شناسان از مراکز خصوصی جمعاً ۲۰۰ نفر، نسبت به تکمیل و تحویل پرسش‌نامه‌های پژوهشگر اقدام نمودند که پس از بررسی ۲۲ نفر از افراد نمونه به دلیل عدم تکمیل صحیح پرسش‌نامه حذف شدند و درنهایت پرسش‌نامه‌های ۱۸۷ نفر به‌عنوان نمونه منتخب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار مورداستفاده در این پژوهش پرسش‌نامه اخلاق حرفه‌ای بود. محقق برای تدوین پرسش‌نامه پژوهش ابتدا ضمن بررسی منابع و متون داخلی و خارجی در دسترس که در زمینه اخلاق حرفه‌ای نگاشته شده بودند، مطالب لازم را استخراج و پس از تلخیص و دسته‌بندی و تنظیم اولیه پرسش‌نامه به‌منظور بررسی روایی و محتوایی، پرسش‌نامه مزبور که دارای ۷۶ سؤال بود را در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان و اساتید این حوزه و ۳۰ نفر از مشاوران و روان‌شناسان قرار داد و در ادامه با دریافت نظرات و پیشنهادهای آنان تعدادی از سؤالات حذف و

اصلاحات موردنظر اعمال و در تهیه پرسش‌نامه نهایی ملحوظ گردید. این پرسش‌نامه مشتمل بر ۵۰ سؤال با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شد. سؤالات پرسش‌نامه بر اساس استانداردهای اخلاقی شامل پنج مقیاس اصلی و ۲۴ مقیاس فرعی ارائه گردید که عبارتند از:

- ۱- اصل سودمندی: در این اصل عملکرد مشاوران در زمینه پرونده‌ی مراجعین، آموزش و تجربه، به‌کارگیری فنون و روش‌ها، آگاهی و رعایت ضوابط حرفه‌ای، ارجاع، رضایت آگاهانه و لزوم داشتن ناظر دیده‌شده است. ۲ - اصل عدم آسیب‌رسانی: در این مقیاس عملکرد مشاوران در زمینه رازداری، روابط دوگانه و چندگانه، ارتباط جنسی و تماس بدنی، به‌کارگیری فنون و روش‌های درمانی مایید نشده و تجویز دارو لحاظ شده است. ۳- اصل خودمختاری: در این مقیاس نیز عملکرد مشاوران در زمینه رعایت استقلال، آزادی، حق تصمیم‌گیری، حق مسؤولیت و حق انتخاب مراجعین و مراجعین کودک در نظر گرفته شده است. ۴- اصل عدالت: در این مقیاس مسائل بین فرهنگی، حق‌الزحمه، عدم تبعیض و مسؤولیت اجتماعی، تبعیت از قوانین سازمانی در نظر گرفته شده است. ۵- اصل صداقت: در این مقیاس، صداقت و درستی، معرفی خدمات و تبلیغات و کمک به دانشجویان و همکاران لحاظ شده است. ۰ نحوه نمره‌گذاری نیز به این ترتیب است که قبل از جمع‌بندی نمرات آزمون‌های شماره ۱ و ۲ و ۶ و ۸ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۴۳ و ۴۵ و ۴۶ معکوس می‌شوند؛ یعنی به کاملاً موافق عدد (۱)، موافق عدد (۲)، نه موافق و نه مخالف عدد (۳) مخالف عدد (۴) و کاملاً مخالف عدد (۵) بدهید و سپس نمرات را جمع‌بندی می‌کنیم. نتیجه‌ی آزمون بین عدد ۵۰ تا ۲۵۰ است و مشاورانی که نمره‌ی بالاتری را کسب نمایند از اخلاق حرفه‌ای بالاتری برخوردار می‌باشند. در خصوص تعیین اعتبار از ضریب همسانی درونی روش دونیمه استفاده شده است که نتایج آماری این بخش نشان داد که ضریب همسانی درونی ۰/۹۲ است. همچنین برای به دست آوردن اعتبار پرسش‌نامه از روش آلفای کران باخ که آلفای کل پرسش‌نامه ۰/۸۱ به دست آمد؛ و ضرایب به‌دست‌آمده در سطح P کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار بودند.

به منظور اجرای مطلوب پژوهش، محقق پرسش‌نامه نهایی شده را در اختیار ۱۸۷ افراد نمونه قرار داد. در این فرایند مشاوران در خصوص نحوه تکمیل پرسش‌نامه توجیه شدند و سپس در دو نوبت و به فاصله دو هفته نسبت به تکمیل پرسش‌نامه مبادرت نمودند و پس از تکمیل هر دو نمونه آن را به پژوهشگر تحویل دادند. پژوهشگر پس از دریافت پرسش‌نامه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار spss اطلاعات را وارد نموده و داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (روش همبستگی، آلفای کرون باخ و تحلیل عامل اکتشافی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

یافته‌های پژوهش

بررسی وضعیت جمعیت شناختی شرکت‌کننده‌های در پژوهش نشان داد که از مجموع ۱۷۸ نفر از مشاوران و روانشناسان مورد بررسی، ۶۰ درصد زن و ۴۰ درصد مرد، ۷۸ درصد متأهل و ۸۵ درصد فوق‌لیسانس و ۱۵ درصد دکتری بودند. همچنین از نظر سنی حداقل ۲۴ و حداکثر ۷۶ و میانگین سنی آن‌ها حدود ۴۰ سال بود (جدول ۱).

جدول ۱- وضعیت جمعیت شناختی شرکت‌کننده‌های پژوهشی

متغیر	جنس	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف
نوع جنس	مؤنث	۱۰۶	۵۹/۶		
	مذکر	۷۲	۴۰/۴		
وضع تأهل	مجرد	۳۹	۲۱/۹		
	متأهل	۱۳۹	۷۸/۱		
میزان تحصیلات	فوق‌لیسانس	۱۵۱	۸۴/۸		
	دکتر	۲۷	۱۵/۲		
سن	سن	-	-	۳۹/۹۸	۸/۶۰۸
جمع		۱۷۸	۱۰۰		

به‌منظور پاسخ به این سؤال که آیا پرسش‌نامه آگاهی و رعایت اخلاق حرفه‌ای در مشاوره و روان‌درمانی از اعتبار (Reliability) لازم در حیطه‌های (همسانی درونی و باز آزمایی) برخوردار است؟ برای بررسی اعتبار باز آزمایی (test - retest) و همسانی درونی (Internal Consistency) آزمون از روش همبستگی و آلفای کرون باخ استفاده شد. نتایج ضرایب باز آزمایی و همسانی درونی نشان داد که ضریب آلفای شاخص کل پرسش‌نامه ۲۰/۹۲ است. دامنه ضرایب همبستگی باز آزمایی زیر مقیاس‌های آزمون (به مدت ۲ هفته فاصله) ۲۰/۸۱ است (جدول ۲).
جدول ۲- ضریب‌های همسانی درونی و باز آزمایی پرسش‌نامه آگاهی و رعایت اخلاق حرفه‌ای

آزمون	تعداد پرسش‌ها	همسانی درونی (آلفای کرون)	همسانی درونی (دو نیمه)	ضرایب همبستگی
کل پرسش‌نامه	۵۰	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۸۱

در پاسخ به این سؤال که آیا پرسش‌نامه آگاهی و رعایت اخلاق حرفه‌ای در مشاوره و روان‌درمانی دارای ساختار عاملی (روایی سازه) است؟ برای بررسی ساختار عاملی (روایی سازه) از روش تحلیل عامل اکتشافی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واری ماکس استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که پرسش‌نامه آگاهی و رعایت اخلاق حرفه‌ای از پنج عامل تشکیل شده است که جمعاً ۴۹/۳۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. عامل اول، آزادی و رضایت آگاهانه را تبیین می‌کند؛ عامل دوم رعایت فرهنگ و قانون و حدود روابط را نشان می‌دهد؛ عامل سوم بیانگر شفافیت رابطه است، عامل چهارم، مشاوره و مسئولیت در شرایط بحران را تبیین می‌کند و عامل پنجم، رعایت اخلاق در به‌کارگیری فنون را تبیین می‌کند. عامل اول ۲۹/۹۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند و ۲۴ سؤال بر روی عامل اول بار عاملی بیش از ۰/۳۰ دارند. عامل دوم ۶/۷۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند و ۱۲ سؤال بر روی عامل دوم بار عاملی بیش از ۰/۳۰ دارند. عامل سوم ۴/۶۴ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند و ۸ سؤال بر روی عامل سوم بار عاملی بیش از ۰/۳۰

دارند. عامل چهارم ۴/۱۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند و ۶ سؤال بر روی عامل چهارم بار عاملی بیش از ۰/۳۰ دارند و عامل پنجم ۳/۸۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند و ۴ سؤال بر روی عامل پنجم بار عاملی بیش از ۰/۳۰ دارند (جدول ۳)

جدول ۳- نتایج تحلیل عاملی و بارهای عاملی پرسش‌های پرسش‌نامه آگاهی و رعایت اخلاق حرفه‌ای

عامل ۱= آزادی و رضایت آگاهانه	
۰/۹۲	۵- مراجع باید از هزینه‌ی مشاوره اطلاع داشته باشد
۰/۹۰	۴۷- من به حق مراجع برای داشتن یک نظام ارزشی متفاوت با نظام ارزشی خودم احترام می‌گذارم.
۰/۸۹	۳۰- من برای همه مراجعانم پرونده مشاوره‌ای تشکیل می‌دهم.
۰/۸۸	۴۸- به مراجعی که قصد ترک جلسه را دارد اجازه‌ی خروج می‌دهم.
۰/۸۵	۳۷- برای مشاوره با کودکان اجازه‌ی والدین آنها را دریافت می‌کنم.
۰/۸۴	۲۵- اگر رسانه‌ها در اعلام مدارک تحصیلی و میزان توانایی تخصصی من دچار اشتباه شود برای تصحیح آن اقدام می‌کنم.
۰/۸۳	۲۷- آگاهی دادن به مشاور در خصوص اهمیت مشاوره و وظایف مشاور از مسوولیت‌های مشاور می‌باشد.
۰/۷۷	۹- در تابلو و بروشور معرفی خود نکاتی را نوشته‌ام که با توانایی و تخصص من منطبق است.
۰/۷۴	۲۱- مراجعان حق دارند در خلال جلسه مشاوره همکاری خود را با مشاور قطع کنند.
۰/۵۲	۲۰- در صورت عدم تمایل مراجع، اظهارات او را در پرونده ثبت نمی‌کنم
۰/۴۰	۴- اگر بخواهم یک روش جدید مشاوره‌ای را روی مراجع آزمایش کنم اجازه کتبی او را دریافت کنم

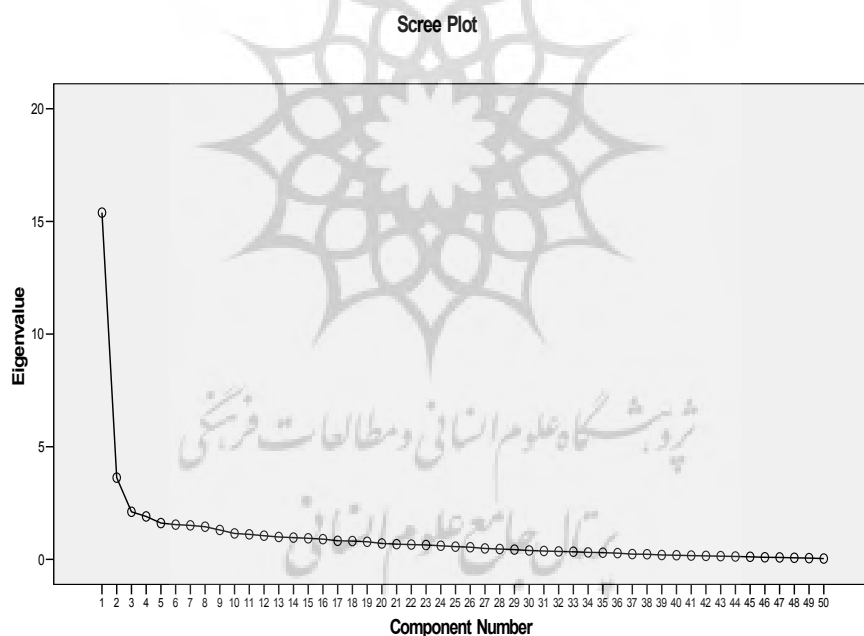
عامل ۲ = رعایت فرهنگ و قانون و حدود روابط	
۰/۶۰-	۴۵- برای کمک بیشتر به مراجعانم با آنها رفت و آمد خانوادگی برقرار می‌کنم.
۰/۵۸-	۴۳- چنانچه مراجع در شرایط بحرانی بوده و نیاز به دارو داشته باشد و دسترسی به روانپزشک وجود نداشته باشد ناگزیر برایش دارو تجویز می‌کنم.
۰/۵۶-	۳۱- جهت کمک بیشتر به مراجعانم با آنها خارج از جلسات مشاوره رابطه‌ی دوستانه برقرار می‌کنم.
۰/۵۱	۲۲- با قوانین، ضوابط و محدودیت‌های حرفه‌ای خود آشنایی ندارم.
۰/۵۰-	۲۶- از نظر من گرفتن مبلغی به عنوان حق ارجاع به دیگر متخصصان اشکالی ندارد.
۰/۴۵-	۴۶- در صورتی که امکان اجرای آزمونهای تخصصی بصورت حضوری برای مراجع میسر نباشد آنها را از طریق پست برایش ارسال می‌کنم.
۰/۴۵-	۳۲- در خصوص نوع دارو و یا میزان استفاده از آن به مراجعانم توصیه‌هایی می‌نمایم.
۰/۴۱-	۲۹- زمانی که از نظر حرفه‌ای در کار با مراجع با مشکل مواجه می‌شوم نمی‌دانم به چه کسی مراجعه کنم.
۰/۳۷	۶- پذیرش مراجعانی را که از نظر فرهنگی و بومی با من همخوانی دارند برای من اولویت دارند.
۰/۳۵-	۱۲- به نظر من لزومی ندارد کسانی که می‌خواهند خدمات مشاوره‌ای ارائه دهند حتماً از سازمان نظام روانشناسی و مشاوره پروانه داشته باشند.
عامل ۳ = شفافیت رابطه	
۰/۶۹	۴۴- لازم می‌دانم مراجع از طرح درمانی که برای او ترتیب داده‌ام مطلع باشد.
۰/۵۹-	۳۳- وقتی با انگیزه خیرخواهانه و در راستای منافع مراجع ضروری بدانم به صورت مصلحتی خلاف واقعیت را می‌گویم.
۰/۴۵-	۲۴- به نظر من نشان دادن علاقه شخصی به مراجع غیر همجنس در صورتی که خودش تمایل باشد منعی ندارد.
۰/۴۵-	۱۵- معتقدم وابسته بودن مراجعانم به من حتی پس از پایان فرآیند مشاوره امری طبیعی است.
۰/۴۳-	۸- برای اینکه از تداوم جلسات مشاوره از سوی مراجعانم مطمئن شوم پیشاپیش حق الزحمه جلسه بعدی را از وی دریافت می‌کنم.
۰/۴۱-	۲۳- به نظر من طبیعی است مراجعانی که احساس خوشایندی را در من ایجاد می‌کنند خدمات بهتری را از من دریافت نمایند.
۰/۳۸	۳۶- هدف از اجرای فنون و تکنیکهای مشاوره را با مراجع‌ام مطرح می‌کنم.
۰/۳۶	۷- اگر مراجع سؤالاتی را در باره زندگی شخصی من مطرح کند به او صادقانه پاسخ می‌دهم.
۰/۳۵	۳۵- در اجرای آزمون نظر مراجع را جویا می‌شوم.
۰/۳۰	۳۸- سعی می‌کنم مراجعانم را در جریان فرآیند مشاوره و بکارگیری فنون قرار دهم.

عامل ۴= مشاوره و مسوولیت در شرایط بحران	
۰/۹۰	۱۰- برای شرکت در کارگاهها و همایشهای علمی مرتبط با تخصص ام وقت می گذارم.
۰/۸۵	۴۱- اگر در جریان مشاوره با مراجع پیشرفت قابل توجهی احساس ننمایم او را به سایر همکارانم ارجاع می دهم.
۰/۷۷	۳- تماس بدنی با مراجع نا همجنس را دارای اشکال می دانم.
۰/۶۰	۱۸- به نظر من مهم کمک به مراجع در جهت حل مشکلات او با استفاده از روشها و فنون حرفه ای است، حتی اگر این روشها با اصول اخلاق حرفه ای تناقض داشته باشد.
۰/۵۱	۴۹- من خود را موظف می دانم تصمیم نهایی در خصوص مراجع را به او اعلام نمایم.
۰/۵۱	۱۳- اگر مراجع من کودک و یا نوجوانی باشد که مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته باشد برای حفظ رازداری اطلاع به خانواده کودک را ضروری نمی دانم.
۰/۴۴	۱- مسوولیت فرآیند مشاوره بر عهده ی مراجع می باشد
۰/۴۳	۱۹- در بکارگیری فنون فقط سودمندی آن را برای مراجع در نظر می گیرم
۰/۴۱	۲- وقتی مراجع رابه روان شناس یا مشاور دیگری ارجاع می دهم مسوولیت من در قبال مراجع به پایان می رسد.
۰/۴۰	۱۱- در مواقع بحران مثل سیل و زلزله برای کمک مشاوره ای به آسیب دیدگان خدماتی را ارائه می دهم.
۰/۳۷	۱۶- حفظ اصل رازداری را در مواقعی که خطر جانی برای مراجع مطرح است ضروری می دانم.
۰/۳۷	۱۷- سعی می کنم با همه مراجعانم تنها از روش و فنونی که در آن مسلط هستم استفاده کنم.
عامل ۵= رعایت اخلاق در بکارگیری فنون	
۰/۹۴	۲۸- من باید با ویژگیهای فرهنگی محیطی که در آن کار مشاوره می کنم آشنایی کافی داشته باشم
۰/۹۲	۱۴- کلیه مراجعانم قطع نظر از تفاوتهایشان قابل احترام هستند.
۰/۸۶	۴۰- من تجارب کاری خود را در اختیار دانشجویان و همکارانم قرار می دهم.
۰/۸۴	۳۹- من به مراجعانی که توانایی پرداخت حق الزحمه ندارند، تخفیف می دهم.
۰/۶۸	۴۲- با سایر همکارانم در باره بعضی از مراجعانم مشورت می کنم.
۰/۶۲	۵۰- از اینکه همکارانم اصول و ضوابط اخلاقی و حرفه‌ای مشاوره را همانند من رعایت نمی کنند ناراحت می شوم.
۰/۴۲	۳۴- اگر مراجع نتواند تصمیم بگیرد سعی می کنم بجای او تصمیم بگیرم تا به او کمک بیشتری کرده باشم.

همچنین بررسی و تحلیل برای کفایت نمونه‌برداری (KMO) و آزمون کرویت بارتلت (Bartlett's Test of Sphericity) نشان داد که کفایت نمونه‌برداری ($KMO > 0/88$) در سطح مطلوب است و همین‌طور آزمون کرویت بارتلت معنادار ($Sig < 0/001$) است. نتایج آزمون بارتلت بیانگر همبستگی معنی‌دار کافی بین سؤالات است (جدول ۴).

جدول ۴- کفایت نمونه‌برداری و آزمون کرویت بارتلت

مقادیر	آزمون‌ها
0/88	Kaiser-Meyer-Olkin(KMO)
5736/382	آزمون بارتلت
1225	درجه آزادی
0/001	معناداری



نمودار شماره یک نشان‌دهنده نمودار اسکری (scree) در پرسش‌نامه آگاهی و رعایت اخلاق حرفه‌ای است. نمودار فوق نشان می‌دهد که در پرسش‌نامه آگاهی و رعایت اخلاق حرفه‌ای ۵ عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از ۱ وجود دارد که در نمودار Scree مشخص باشد.

بحث و نتیجه‌گیری:

هنگامی که مشاوران مشغول مشاوره می‌شوند، متوجه خواهند شد که تعبیر کردن رهنمودهای اخلاقی سازمان حرفه‌ای‌شان و به کار بردن آن‌ها در موقعیت‌های خاص، به حساسیت اخلاقی خیلی زیاد نیاز دارد. حتی درمانگران مسئول از نظر نحوه‌ای که اصول اخلاقی تعیین نشده را در موقعیت‌های خاص به کار می‌برند تفاوت دارند. بدیهی است که درمانگران به حل کردن مسائلی دعوت می‌شوند که همیشه جواب‌های صریحی ندارند. آنان برای اینکه تصمیم بگیرند که چگونه عمل کنند تا به نفع درمان‌جو باشد، مجبورند با خود کشمکش کنند. برای تصمیم‌گیری‌های بهتر باید با همکاران مشورت کنند، از قوانینی که بر کارشان تأثیر می‌گذارند همواره آگاه بوده و در رشته تخصصی خود به‌روز باشند، در جریان تحولات کاریست اخلاقی باشند، درباره تأثیر ارزش‌های خود بر کاریست خودشان فکر کنند و از پرداختن به خودکاوای استقبال کنند. (کوری و کوری، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۶).

در مشاوره و روان‌درمانی، ضوابط اخلاقی دامنه وسیعی دارد. معمولاً این ضوابط حداقل استانداردهای رفتار مشاور و درمانگر را مشخص می‌کند و از رفتارهای ممنوع جلوگیری می‌کند. بین پیروی صرف از ضوابط اخلاقی و داشتن تعهد عملی نسبت به ضوابط اخلاقی سطح بالا نیز تفاوت زیادی وجود دارد. (هرلی و کوری، ۱۹۹۴).

همچنین یک مشاور باید پای بند به اصول اخلاقی باشد تا بتواند با اتخاذ تصمیمات اخلاقی، برای مراجعانش سودمند باشد. متخصص اخلاقی بودن نه تنها یک درک از قوانین اخلاقی را در زمینه حرفه‌ای نیازمند است بلکه تفسیر آگاهانه آن‌ها را برای موقعیت‌های حرفه‌ای که با آن مواجه‌اند را ملزم می‌کند. بررسی و درک ضوابط اخلاقی

حرفه، موقعیت و فرصت خوبی برای شروع است اما آن مقصد و هدف نیست. با درک ملاک‌های اخلاقی، متخصص قدم درراهی می‌گذارد که هرچه پیش می‌رود با سؤالات، ابهامات و مسائل اخلاقی تازه‌ای مواجه می‌شود که بررسی و پاسخ دادن به آن‌ها او را به استانداردهای فراتر سوق می‌دهد. (احمدی، ۲۰۰۸)

از سویی دیگر یک مشاور باید پای بند به اصول اخلاقی باشد تا بتواند با اتخاذ تصمیمات اخلاقی، برای مراجعانش سودمند باشد. متخصص اخلاقی بودن نه تن‌ها یک درک از قوانین اخلاقی را درزمینه حرفه‌ای نیازمند است بلکه تفسیر آگاهانه آن‌ها را برای موقعیت‌های حرفه‌ای که با آن مواجه‌اند را ملزم می‌کند. بررسی و درک ضوابط اخلاقی حرفه، موقعیت و فرصت خوبی برای شروع است اما آن مقصد و هدف نیست. با درک ملاک‌های اخلاقی، متخصص قدم درراهی می‌گذارد که هرچه پیش می‌رود با سؤالات، ابهامات و مسائل اخلاقی تازه‌ای مواجه می‌شود که بررسی و پاسخ دادن به آن‌ها او را به استانداردهای فراتر سوق می‌دهد. (احمدی، ۲۰۰۸)

در این تحقیق پژوهشگر با معرفی پرسش‌نامه اخلاق حرفه‌ای تلاش نموده است تا جامعه روان‌شناسان و مشاوران را با یک مقیاس قوی آشنا نموده و این فرصت را در اختیار متخصصان و روان‌درمانگران قرار دهد تا عملکرد و آگاهی‌های خود را با مؤلفه‌ها و معیار اساسی اخلاق حرفه‌ای موردسنجش قرار دهند. شایان‌ذکر است که تاکنون تحقیقات اندکی در این خصوص ارزیابی اخلاق حرفه‌ای مشاوران و روان‌شناسان صورت گرفته است و این در حالی است که این موضوع یکی از مهم‌ترین و بااهمیت‌ترین مباحثی است که در نظامنامه‌های اخلاقی مشاوران و روان‌شناسان مورد تأکید قرار گرفته است. ازجمله عواملی که می‌تواند عملکرد اخلاقی و حرفه‌ای مشاوران و روان‌شناسان را تحت تأثیر قرار دهد میزان شناخت و آگاهی آنان از عوامل و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای است که در این خصوص نتایج پژوهش انجام‌شده توسط احمدی (۲۰۰۸) نشان داد که از مجموع ۳۷ نمره کل آزمون نمره میانگین مجموع آزمودنی‌ها ۲۵/۰۷ با انحراف معیار ۳/۲۸ بود؛ بنابراین

میزان شناخت افراد موردبررسی درزمینه ضوابط اخلاقی دارای کشیدگی منفی بوده و بنابراین مشخص شد که بیشتر افراد موردبررسی از شناخت خوبی نسبت به ضوابط اخلاق حرفه‌ای برخوردار بوده‌اند. (احمدی، ۲۰۰۸)

همچنین در بررسی میزان آگاهی از ضوابط اخلاقی در بین مشاوران و روان‌درمانگران در پژوهش کیانی (۱۳۸۷) ملاحظه شد که از مجموع ۲۵۰ نمره کل آزمون این میزان $14/58 \pm 93/194$ است و بنابراین می‌تواند گفت که بسیاری از مشاوران و روان‌درمانگران مورد بررسی از میزان متوسط به بالا نسبت به ضوابط اخلاقی حرفه خود شناخت دارند. (کیانی، ۱۳۸۷). احمدی و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق خود از پرسش‌نامه‌ای استفاده نمودند که دارای ۳۷ سؤال بود و ۴ مقیاس اصلی و ۸ مقیاس فرعی شامل (رازداری، تماس بدنی، سودمندی، صداقت، روابط چندگانه و حدود ضوابط اخلاقی و مسائل بین فرهنگی و ضوابط اخلاقی در فرآیند مشاوره و روان‌درمانی) را مورد ارزیابی قرار داده است درحالی‌که پرسش‌نامه‌های پژوهش دارای ۵۰ سؤال و ۵ مقیاس اصلی و ۲۴ مقیاس فرعی شامل) پرونده مراجعین، آموزش تجربه به‌کارگیری فنون و روش‌ها، آگاهی و رعایت ضوابط حرفه‌ای، ارجاع، رضایت آگاهانه، روابط چندگانه، ارتباط جنسی و تماس بدنی، رازداری، به‌کارگیری فنون و روش‌های درمانی مایید نشده و تجویز دارو، حق آزادی، حق تصمیم‌گیری، حق انتخاب، مراجعین کودک، مسائل بین فرهنگی، صداقت، حق‌الزحمه، معرفی خدمات، عدم تبعیض و مسئولیت اجتماعی را موردبررسی قرار داده است. از سوی دیگر در مقیاس احمدی و همکاران (۲۰۰۸) ضریب همبستگی درونی آزمون بر اساس آزمون کرون باخ ۰/۸۹٪ بوده درحالی‌که مقیاس ۵۰ سؤالی پژوهش حاضر این ضریب ۰/۹۲٪ است. همچنین در مقیاس ۳۷ سؤالی احمدی و همکاران گروه نمونه از مقاطع کارشناسی به بالا انتخاب‌شده بودند درحالی‌که گروه نمونه پژوهش‌گر در تحقیق، روان‌شناسان و مشاوران دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بودند که در مراکز و دفاتر و مراکز مجاز اشتغال داشته‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد از قدرت غربالگری بیشتری برخوردار است.

البته نتایج به دست آمده در پژوهش احمدی و همکاران (۲۰۰۸) و پژوهش کیانی (۱۳۸۷) که از پرسش‌نامه پنجاه سؤالی استفاده نموده است، در برخی موارد شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را گزارش شده است. به‌طور مثال مؤلفه‌هایی از قبیل جنسیت، تأهل، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، سابقه کار می‌تواند بر عملکرد اخلاق حرفه‌ای مشاوران و روان‌شناسان تأثیر بگذارد. یکی از نتایج پژوهش کیانی (۱۳۸۷) این بود که تفاوت میان دو گروه زنان و مردان از نظر عملکرد اخلاق حرفه‌ای معنادار نمی‌باشد. بنابراین به استناد نتایج این تحقیق می‌تواند گفت که عامل جنسیت تأثیری در عملکرد اخلاق حرفه‌ای متخصصان و مشاوران نداشته و میزان التزام هر دو گروه زنان و مردان در رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای تقریباً یکسان است.

به نظر می‌رسد که ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان و مردان از نظر حضور در مراکز آموزش عالی و دسترسی به منابع مکتوب و مجامع علمی و تخصصی داخل و خارج از کشور می‌تواند توجیه‌کننده این نتیجه باشد. همچنین ساختار فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه و مبانی ارزشی حاکمیت، بستر مناسبی برای آحاد جامعه فراهم آورده تا افراد صرف‌نظر از هر نوع تبعیض جنسیتی بتوانند به مشاغل مختلف دسترسی داشته باشند و به بلوغ حرفه‌ای برسند. این در حالی است که در تحقیق انجام شده توسط احمدی و همکارانش (۲۰۰۸) میزان شناخت اصول و ضوابط اخلاق حرفه‌ای در بین زنان و مردان تفاوت معنی‌داری به دست آمد. پژوهشگر معتقد است یکی از دلایل احتمالی تفاوت نتایج پژوهش حاضر با تحقیق می‌تواند در نوع پرسش‌نامه‌ای که برای ارزیابی اخلاق حرفه‌ای گروه نمونه ساخته شده باشد جستجو کرد. همچنین مقیاس‌های مورد نظر در پرسش‌نامه اخلاق حرفه‌ای در تحقیق احمدی و همکارانش (۲۰۰۸) با مقیاس‌های استفاده شده در پژوهش حاضر متفاوت بوده است. به عبارت دیگر تفاوت در نوع سؤالات پرسش‌نامه و تعداد سؤالات می‌تواند این تفاوت را توجیه نماید.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مرتبط با عملکرد اخلاق حرفه‌ای مشاوران و روان‌شناسان وضعیت تأهل آنان است؛ که نتیجه تحقیق نشان داد که در رعایت همه اصول اخلاق

حرفه‌ای تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاوران مجرد و متأهل مشاهده نگردید. (کیانی، ۱۳۸۷). در تحقیق احمدی (۲۰۰۸) ملاحظه شد که بین وضع تأهل و نمره شناخت معیارهای اخلاقی و تماس بدنی با مراجع تفاوت معنی‌داری وجود دارد بهای ن اساس که میزان شناخت و رعایت ضوابط اخلاقی حرفه مشاوره و روان‌درمانی از سوی افراد متأهل (مطابق نمره کل آزمون در سطح $p \leq 0/05$) و شناخت معیارهای تماس بدنی با مراجع در سطح ($p \leq 0/01$) بیشتر از افراد مجرد است. همچنین یافته‌های پژوهش (کیانی، ۱۳۸۷) نشان داد که تفاوت میان متخصصان با مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس و دکتری معنی‌دار نمی‌باشد. به نظر محقق عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین متخصصان با مدرک تحصیلی دکتری و کارشناسی ارشد شاید به خاطر این باشد که در دوره دکتری به مباحث اخلاق حرفه‌ای یا اصلاً پرداخته نمی‌شود و یا مباحث اخلاق حرفه‌ای بسیار ناچیز است. از سویی دیگر ممکن است عدم برگزاری همایش‌ها، مجامع و دوره‌های دانش‌افزایی با موضوع اختصاصی اخلاق حرفه‌ای و عدم وجود مقالات و پژوهش‌های مرتبط با مباحث اخلاق حرفه‌ای، از دیگر دلایلی باشد که متخصصان دارای مدرک تحصیلی دکتری تقریباً مشابه متخصصان دارای مدرک کارشناسی ارشد اخلاق حرفه‌ای را مراعات می‌نمایند. البته بر اساس یافته‌های احمدی (۲۰۰۸) میزان شناخت معیارهای اخلاقی در زمینه سودمندی جلسات در بین مشاوران و روان‌درمانگران با تحصیلات دکتری و کارشناسی ارشد به‌طور معنی‌داری ($p \leq 0/05$) بیش از کارشناسی بود و میزان شناخت و رعایت معیارهای تماس بدنی با مراجع در بین مشاوران و روان‌شناسان با تحصیلات کارشناسی به‌طور معنی‌داری ($p \leq 0/01$) بیش از مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد و میزان شناخت حدود و ضوابط اخلاقی در مسائل فرهنگی در بین مشاوران و روان‌درمانگران با تحصیلات دکتری به‌طور معنی‌داری ($p \leq 0/01$) بیش از سایر مقاطع تحصیلی بود. در خصوص نوع رشته تحصیلی مشاوران نیز یافته‌های پژوهش کیانی (۱۳۸۷) نشان داد که بین رشته تحصیلی مشاوران و روان‌شناسان و عملکرد اخلاق حرفه‌ای آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ که این تفاوت

فقط دریکی از اصول اخلاقی - اصل عدم آسیب‌رسانی - معنادار است و در دیگر اصول، معنادار نمی‌باشد. در این ارتباط مشخص گردید که متخصصان رشته روان‌شناسی بالینی بیشتر از متخصصان رشته روان‌شناسی عمومی اخلاق حرفه‌ای را رعایت می‌کنند اما میزان عملکرد اخلاق حرفه‌ای در بین متخصصان روانشناس بالینی و مشاوره یکسان و مشابه بوده است. به عبارت دیگر تفاوت معنی‌داری بین مشاوران و روان‌شناسان در رعایت اخلاق حرفه‌ای مشاهده نگردید. (کیانی ۱۳۸۷)

به نظر محقق رعایت اصل عدم آسیب‌رسانی در فرآیند مشاوره و روان‌درمانگری حائز اهمیت فراوان است چراکه با موضوعات مهمی از قبیل رعایت رازداری، پرهیز از ارتباط دوگانه یا چندگانه، پرهیز از ارتباط جنسی و تماس بدنی با مراجع، عدم استفاده از فنون و روش‌های مایید نشده و عدم تجویز دارو سروکار دارد؛ و ضعف عملکرد اخلاق حرفه‌ای به‌خصوص در این حوزه به‌وسیله متخصصانی که رشته تحصیلی آنان مشاوره بالینی نمی‌باشد می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که اگر چنانچه برای آگاهی بیشتر متخصصان به‌خصوص آنان که در سایر گرایش‌های روان‌شناسی فارغ‌التحصیل شده‌اند فکری نشود، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به مراجعین و درنهایت به حرفه مشاوره وارد می‌شود. (کیانی ۱۳۸۷)

احمدی (۲۰۰۸) نیز در تحقیق خود تفاوت معنی‌داری را بین متخصصان برحسب رشته تحصیلی مشاوره و روان‌شناسی ملاحظه ننموده است. البته سطوح متغیر رشته تحصیلی در تحقیق احمدی (۲۰۰۸) دو سطح روان‌شناسی و مشاوره بوده درحالی‌که در تحقیق حاضر سه سطح عمومی، بالینی و مشاوره مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه تحقیق نشان می‌دهد فارغ‌التحصیلان رشته بالینی و مشاوره نسبت به سایر رشته‌ها و گرایش‌های روان‌شناسی در رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای و به‌خصوص اصل عدم آسیب‌رسانی بهتر عمل نموده‌اند همچنین اطلاعات به‌دست‌آمده در خصوص سابقه کار و رعایت اخلاق حرفه‌ای تقریباً مشابه بوده به این معنا که این رابطه معنادار نبوده و در تحقیق احمدی (۲۰۰۸) نیز رابطه بین سابقه کار و

میزان شناخت ضوابط اخلاقی، تن‌ها در یک مقیاس فرعی (تماس بدنی) رابطه مثبت و معنی‌داری دیده شده است. در سایر مقیاس‌های اخلاق حرفه‌ای این رابطه معنادار نبوده است.

بنابراین بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌تواند گفت که احتمالاً متخصصان در طول مدت اشتغال آموزش‌های مستمر را در خصوص عملکرد اخلاق حرفه‌ای و اصول مربوطه دریافت نمی‌نمایند و اساساً اطلاعات و دانش همکاران مشاور حداقل در حوزه اخلاق حرفه‌ای به‌روز نبوده و بنابراین به همان اطلاعات و دانشی که در زمان تحصیل دریافت کرده‌اند اکتفا نموده‌اند. همچنین می‌تواند به نبود منابع و کتب کافی در این زمینه و عدم برگزاری مجامع و همایش‌های تخصصی تحت عنوان اخلاق حرفه‌ای نیز می‌تواند یکی از دلایل عمده‌های ن‌فرض باشد که سابقه فعالیت در حرفه مشاوره هیچ‌گونه تأثیری در ارتقاء دانش و عملکرد آنان به دنبال نداشته است

نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش و تحلیل عوامل پنج‌گانه پرسش‌نامه اخلاق حرفه‌ای نشان داد که عامل اول یعنی آزادی و رضایت آگاهانه با یازده سؤال، ۲۹/۹۰ درصد واریانس کل، عامل دوم یعنی رعایت فرهنگ و قانون و حدود رابطه ده سؤال، ۶/۷۵ درصد از واریانس کل عامل سوم شفافیت رابطه ده سؤال، ۴/۶۴ درصد از واریانس کل و عامل چهارم مشاوره و مسؤولیت در شرایط بحران دوازده سؤال، ۴/۱۳ درصد و در نهایت عامل پنجم رعایت اخلاق در به‌کارگیری فنون هفت سؤال، ۳/۸۹ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ضریب اعتبار باز آزمایی کل مقیاس ۰/۸۱ و همسانی درونی ۰/۹۲ است.

منابع:

- احمدی، خدابخش. (۱۳۸۷). مباحث اخلاقی در مشاوره و روان‌درمانی، تهران: دانتی
حسینیان، سیمین. (۱۳۸۵). اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی، تهران: کمال تربیت
کوری و کوری. (۱۳۸۶). نظریه‌ها و کاربردهای مشاوره و روان‌درمانی ترجمه یحیی

سیدمحمدی، تهران: رشد

کیانی، اردشیر. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و اخلاق حرفه‌ای مشاوران و روان‌شناسان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد رودهن

کیانی، اردشیر. (۱۳۹۰). اخلاق حرفه‌ای مشاوران، تهران: ورای دانش

نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۸۱). ارزش‌ها و ملاحظات فرهنگی و اخلاقی و قانونی در مشاوره، سازمان ملی جوانان

Ahmadi, K.Z. Akhavi, F. Raiisi and Ali- Akbar Rahimi. (۲۰۰۸). Evaluating the Rate of Observing Ethics among Counselors Psychologists. Journal of Applied Sciences, ISSN ۱۸۱۲-۵۶۵۴.

American Association of pastoral counselors (۱۹۹۵) AAPC. Ethics, Retrieved ۲۰۰۴ with: World Wide Web: <http://WWW.aapc.org/ethics/htm>.

American counseling Association (۲۰۰۲) ACA. Ethics Retrieved ۲۰۰۴ with: World Wide Web: <http://WWW.counseling.org/resources/ethics>.

American Counseling Association. (۱۹۹۵). Code of Ethics and Standards of practice. Alexandria, VA. Author.

American Psychology Association (۲۰۰۲) APA. Ethics office, Retrieved ۲۰۰۴ with: World Wide Web: <http://WWW.apa.org/ethics/>

Bradley, L. Kottler, J. & Lehrman-Waterman, D. (۲۰۰۱). Ethical issues in supervision. In L. Bradley & N. Ladany (Eds.), Counselor Supervision: Principles, and practice (pp. ۳۴۲-۳۶۱). Philadelphia, PA: Taylor & Francis/Brunner-Routledge.

Chae, M. H. Kelly, D. B. Brown, C. F. & Bolen, M. A. (۲۰۰۴). Relationship of ethnic identity and spiritual development: An exploratory study. Counseling and Values, ۲۵, ۱۵-۲۷.

Corey Gerald. Issues and ethics in the helping professionals ۱۹۹۳.

Corey, G. Corey, M. S. & Callanan, P. (Eds.). (۲۰۰۴). Codes of ethics for the Cottone, R. R. & Tarvydas, V. M. (۱۹۹۸). Ethical and professional issues in counseling. Upper Saddle River, NJ: Merrill/ Prentice - Hall. Ethical standard, American Association for counseling and Development (۱۹۸۱).

Herlihy, B. and Corey, G. (۱۹۹۴). ACA ethical standards casebook (۵th ed). Alexandria, VA: American Counseling Association.

Hsin DH. and Macer DR (۲۰۰۴) Professional roles and ethics of health care worker, journal of Infect, ۴۹ (۳): ۲۱۰ - ۵.

- Kitchener, K. S. (۱۹۸۴). Intuition, critical evaluation, and ethical principles: The foundation for ethical decisions in counseling psychology. *The Counseling Psychologist*, ۱۲, ۴۳-۵۵.
- Losito, W. F. (۱۹۸۰). The argument for including moral philosophy in the education of counselors. *Counseling and Values*, ۲۵, ۴۰-۴۶.
- Malley, P. B. and Reilly, E. P. (۱۹۹۹). *Legal and ethical dimensions for mental health professionals*. Taylor and Francis Publishers.
- Remley, T. P. & Herlihy, B. (۲۰۰۵). *Ethical, legal and professional issues in counseling* (۲nd ed). Upper Saddle River, NJ: Merrill/Prentice Hall.
- Urofisky, R. & Sowa, C. (۲۰۰۴). Ethics education in CACREP – accredited counselor education programs. *Counseling and values*, ۴۹, ۳۷-۴۷.
- Van Hoose, W. H. (۱۹۸۰) Ethics and counseling. *Counseling and Human Development*, ۱۳, ۱-۱۳.
- Welfel, E. R. (۲۰۰۲). *Ethics in counseling and psychotherapy Standards, Research, and Emerging Issues*. Brooks/ Cole Publishing Company.
- Welfel, E. R. (۲۰۰۲). *Ethics in Counseling and psychotherapy: Standards, research, and emerging issues* (۲nd ed). Pacific Grove, CA: Brooks / Cole.

